اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت نوزدهم)

خدا (بخش ١)

وقتی از خدا حرف می زنیم؛ بیشتر مردم فکر میکنند که خدا ما را از بالا می بیند؛ ولی در واقع باید بیشتر دقت کنیم و بدانیم که خدا از درونی ترین حالات؛ ما را هم می بیند. او به هر آنچه ما می کنیم، بیناست و از همه چیز خبر دارد. برای درک موضوع می دانیم که هیچ برگی بدون اطلاع خدا از هیچ درختی نمی افتد. بیشتر مردم نمیخواهند روی این موضوع زیاد فکر کنند و حتی نمیخواهند روی موضوع خدا بحث کنند. زیرا یکی از جادوهای شیاطین این است که خدا در زندگی ها کمرنگ شود و حسن ظن نسبت به خدا از بین رود. بحث در مورد قدرت و توانایی خدا، به مذاق کسانی که در جادوی شیطان گیر افتاده اند ، زیاد خوشایند نیست.

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۴﴾

اوست آن کس که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید آنگاه بر عرش استیلا یافت آنچه در زمین درآید و آنچه از آن برآید و آنچه در آن بالارود [همه را] می داند و هر کجا باشید او با شماست و خدا به هر چه می کنید بیناست (۴)

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿۵﴾

فرمانروایی [مطلق] آسمانها و زمین از آن اوست و [جمله] کارها به سوی خدا بازگردانیده می شود (۵)

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۶﴾

شب را در روز درمی آورد و روز را [نیز] در شب درمی آورد و او به راز دلها داناست (۶)

قبلا دانشمندان فکر میکردند که اتم کوچکترین ذره ماده است؛ اما جدیدا ثابت شده است که از اتم کوچکتر هم داریم. خدای توانا از تک تک این ذرات اطلاع دارد و کنترل آنها را در دستان خویش دارد.

قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿۳﴾

و کسانی که کافر شدند گفتند رستاخیز برای ما نخواهد آمد بگو چرا سوگند به پروردگارم که حتما برای شما خواهد آمد [همان] دانای نهان[ها] که هموزن ذره ای نه در آسمانها و نه در زمین از وی پوشیده نیست و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر از آن است مگر اینکه در کتابی روشن [درج شده] است (۳)

وقتی از از اتم کوچکتر صحبت میکنیم؛ ذرات دیگری به اسم کوارک مطرح میشود و شاید در آینده هم ثابت شود که کوارکها هم از ذرات ریزتری تشکیل شده اند. بشر هنوز در دوران بچگی علم سیر میکند. خدا از تمام این ذرات کوچک و بزرگ اطلاع دارد و تمام آنها را کنترل میکند.

زمانی که خدا به مادر موسی الهام کرد که بچه اش موسی را در یک صندوق قرار دهد و او را داخل آب رودخانه بیندازد؛ قلب مادر موسی از فراق فرزند؛ داشت از هر چیز دیگری تهی میگشت؛ خدا از این واقعه خبر داشت و قلب مادر موسی را مطمئن کرد تا راز را افشا نکند. قدرت خدا تا این حد، فراگیر است که دلتنگی های مادر موسی را هم تشخیص میداد و با ارتباط دادن بر قلب او؛ او را آرام ساخت.

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَى فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۰﴾

و دل مادر موسی [از هر چیز جز از فکر فرزند] تهی گشت اگر قلبش را استوار نساخته بودیم تا از ایمان آورندگان باشد چیزی نمانده بود که آن [راز] را افشا کند (۱۰)

همه افراد از هر روش و مذهبی در جهان معتقدند که مردن و زنده کردن کار فقط خدا است. کمتر کسی توی این مورد شک دارد. اما فقط مومنان واقعی میدانند که خنداندن وگریاندن هم کار خداست (وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى **). یعنی خوشبختی و**

بدبختی ما هم با تمام جزئیاتش دست خداست. پس تنها کسی که میتواند ما را خوشبخت کند خدای یگانه است.

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ﴿۴۳﴾

و هم اوست که می خنداند و می گریاند (۴۳)

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ﴿۴۴﴾

و هم اوست که می میراند و زنده می گرداند (۴۴)

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى ﴿۴۵﴾

و هم اوست که دو نوع می آفریند نر و ماده (۴۵)

مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى ﴿۴۶﴾

از نطفه ای چون فرو ریخته شود (۴۶)

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى ﴿۴۷﴾

و هم پدید آوردن [عالم] دیگر بر [عهده] اوست (۴۷)

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى ﴿۴۸﴾

و هم اوست که [شما را] بی نیاز کرد و سرمایه بخشید (۴۸)

برتراند راسل میگوید: قدرت مطلقه ای که برای ابد بر اراده جهان حاکم است، قطعا میتوانسته است چیز بهتری خلق کند. **با اینکه برتراند راسل آدم باهوشی بوده است**

و خوب مسائل را درک کرده است؛ ولی در این مورد توجه کافی نکرده است که خدا آن چیز بهتر را هم اکنون خلق کرده است؛ ولی ما از آن بی بهره ایم و در واقع از آنجا تبعید شده ایم به اینجا روی کره زمین.

ما افرادی هستیم که با ارتکاب گناهان، از بهشت تبعید شدیم و به اینجا رانده شدیم تا از گناهان خویش استغفار کرده و توبه کنیم. دقیقا به همین خاطر است که در معرض مشکلات و مصائب قرار گرفته ایم. این خاصیت کره زمین است. موادش از مواد خوبی تشکیل نشده است. در اینجا هر چه که میخوریم، بیشترش دفع میشود. انواع بیماریها به انسان روی می آورد. اما در جایی مثل بهشت اینطوری نیست.

اپیکور میگوید: اگر خدا به دعاهای مردم گوش میداد، همه مردم به سرعت محو میشدند؛ زیرا آنها دائما در حال دعا برای نابودی همدیگر هستند. خدا ما را روی زمین رها نکرده است؛ بلکه از هر طریقی پیام میفرستد تا ما را به راه راست هدایت کند و ما را از توهم خارج سازد. انسان تا وقتی دشمن اصلیش شیطان را دشمن خود نداند؛ از توهم خارج نمیشود. مردم مشکلاتی که شیطان برای آنها پیش می آورد را گردن همدیگر می اندازند و همدیگر را لعنت میکنند. دعاهای مردم در حالت توهم، به خدا نمیرسد. چرا نمی رسد؟ برای اینکه آزمایش ما دقیقا همین است. یعنی باید از توهم بیدار شویم تا خدا دعاهای ما را استجابت کند. افراد زیادی در جهان این مورد را تشخیص نداده و نسبت به خدا اعتراض میکنند که چرا خدا کاری نمی کند؟ ژان پل سارتر به نشانه اعتراض میگوید : این چه خدایی است که در موقع

نیاز آدمی، یا سکوت میکند و یا حضور ندارد. اما او توجه نمی کند که آدمی خودش را از خدا بی نیاز میداند و دست دعا خالصانه به سمت خدا دراز نمی کند و دقیقا آزمایش همین است.

بشر دقیقا در نکته اصلی مشکل دارد و آزمایش را نمیخواهد طی کند. زیرا بدون ارتباط با خدا ، نمیتوان از کره زمین نجات یافت.

یکبار دیگر گفته برتراند راسل را مرور کنیم: قدرت مطلقه ای که برای ابد بر اراده جهان حاکم است، قطعا میتوانسته است چیز بهتری خلق کند.

این حرف راسل ، درست است زیرا کره زمینی که ما در آن به سر می بریم؛ در درونی ترین و پایین ترین آسمان قرار دارد و خدا آن را آسمان دنیا می نامد. یعنی آسمان پست و دون. مواد این آسمان هم از مواد درجه یک درست نشده است. دانشمندان ثابت کرده اند که مواد آسمان یکم توخالی است و اگر کره زمین گیر یک سیاه چاله بیفتد؛ آنچنان فشرده میشود که کوچکتر از یک دانه شن میشود. حتی ستارگان آسمان یکم روز بروز نورشان کم میشود و به اصطلاح پیر میشوند. یکی از مشکلات مواد آسمان یکم این است که موجودات داخل آن پیر و فرسوده و بیمار میشوند. بیشتر غذایی که ما میخوریم، دفع میشود و هزاران مشکل دیگر.

دانشمندان نجوم حدس زده اند که آسمان دوم از موادی تشکیل شده است که متشکل از اتم و الکترون و پروتون و نوترون نیست؛ بلکه اساسا ساختار ماده آسمانهای بعدی طور دیگری است. ما در اینجا هر آنچه از علم که یاد گرفته ایم

شامل جاذبه و فیزیک کوانتوم و اتم و ... در آسمانهای بعدی به درد نمی خورند. یعنی علمی که بشر در آن پیشرفت کرده است و به آن می نازد در آسمان دوم به هیچ دردی نمی خورد و کاربردی ندارد. تازه این مربوط به آسمان دوم است. آسمان هفتم که بیرونی ترین لایه آسمانهاست و بسیار وسیع است؛ فقط خدا میداند که چه علمی آنجا برقرار است. خدا خارج از این هفت آسمان؛ خیلی ساده و بی زحمت و بی سستی همه اینها را آفریده است.

للَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۳۵﴾

خدا نور آسمانها و زمین است مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه ای است آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می شود نزدیك است که روغنش هر چند بدان آتشی نرسیده باشد روشنی بخشد روشنی بر روی روشنی است خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند و این مثلها را خدا برای مردم می زند و خدا به هر چیزی داناست (۳۵)

بزرگی خدا از آیه زیر مشخص میشود که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است می داند. هیچ گفتگوی محرمانه ای میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آنهاست و نه میان پنج تن مگر اینکه او ششمین آنهاست و الی آخر.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۷﴾

آیا ندانسته ای که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است می داند هیچ گفتگوی محرمانه ای میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آنهاست و نه میان پنج تن مگر اینکه او ششمین آنهاست و نه کمتر از این [عدد] و نه بیشتر مگر اینکه هر کجا باشند او با آنهاست آنگاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده اند آگاه خواهد گردانید زیرا خدا به هر چیزی داناست (۷)

چیزهایی مخفی هست که فقط خدا میداند و حتی فرشتگان هم نمیدانند. عظمت خدا در آیه زیر مشخص میشود.

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿۵۹﴾

و کلیدهای غیب تنها نزد اوست جز او [کسی] آن را نمی داند و آنچه در خشکی و دریاست می داند و هیچ برگی فرو نمی افتد مگر [اینکه] آن را می داند و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است (۵۹)

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَى أَجَلٌ مُسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۶۰﴾

و اوست کسی که شبانگاه روح شما را [به هنگام خواب] می گیرد و آنچه را در روز به دست آورده اید می داند سپس شما را در آن بیدار می کند تا هنگامی معین به سر آید آنگاه بازگشت شما به سوی اوست سپس شما را به آنچه انجام می داده اید آگاه خواهد کرد (۶۰)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ﴿۶۱﴾

و اوست که بر بندگانش قاهر [و غالب] است و نگهبانانی بر شما می فرستد تا هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد فرشتگان ما جانش بستانند در حالی که کوتاهی نمی کنند (۶۱)

ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ﴿۶۲﴾

آنگاه به سوی خداوند مولای بحقشان برگردانیده شوند آگاه باشید که داوری از آن اوست و او سریعترین حسابرسان است (۶۲)

یهودیها می گفتند که خدا هر کاری نمیتواند بکند. این گفته ناشی از یک توهم است. زیرا آنان انتظار داشتند که خدا به خواست آنها عمل کند و بر طبق معیار آنان بر جهان حکمرانی کند! معمولا چنین تصوراتی را کسانی انجام میدهند که خدایی دیگر در ذهن خویش درست کرده اند و میخواهند خدایشان به حرف آنها عمل کند. در واقع آنان خدایی را برای خود ساخته و آن را پرستش کرده و گاهی هم او را محکوم میکنند. این است که آدمیان الهه ها را اینطوری درست میکنند.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿۶۴﴾

و یهود گفتند دست خدا بسته است دستهای خودشان بسته باد و به [سزای] آنچه گفتند از رحمت خدا دور شوند بلکه هر دو دست او گشاده است هر گونه بخواهد می بخشد و قطعا آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند خدا آن را خاموش ساخت و در زمین برای فساد می کوشند و خدا مفسدان را دوست نمی دارد (۶۴)

در حالیکه بندگان واقعی خدا، او را پرستش کرده و خود را بنده او میدانند و تابع دستورات او و تسلیم دستورات مکتوب خدا هستند. آنان در مقابل خدا متواضع و خاشع هستند.

خدا به مردم خیلی لطف میکند و از طریق کتاب آسمانی خودش را معرفی میکند و می فرماید که وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾ و هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می کنم پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند (۱۸۶)

این آیه نکته فوق مهمی را در بر دارد و آن این است که خواندن فقط خدا در دعاها، بخاطر این است که خدا بندگانش را رشد دهد و راهنمایی کند. خدا با زبانها و طرق مختلف مردم را به سمت خویش میخواند و آنان را به سمت خویش میخواند. فرض کنید یک نفر خانواده اش را به مدت بیست سال ندیده است؛ حالا بعد از بیست سال آنها را پیدا می کند؛ در این لحظه خانواده او سورپرایز می شوند. برای آنها بسیار خوشحال کننده است وخانواده او شوکه میشوند. خدای مهربان چندین مثال در مورد خود را در قرآن ذکر نموده است و میخواهد مردم را سورپرایز کند. وقتی خدا بخواهد خبر سورپرایزکننده ای را در قرآن بیان کند از عبارت "انی انا" (براستی

من) استفاده می کند. یوسف بعد از سالها برادرش را ندیده است. حالا وقتی می خواهد خودش را به او معرفی کند، می گوید "انی انا اخوک. "

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۶۹﴾

و هنگامی که بر یوسف وارد شدند برادرش [بنیامین] را نزد خود جای داد [و] گفت من برادر تو هستم بنابراین از آنچه [برادران] میکردند غمگین مباش (۶۹)

حالا به یک سورپرایز دیگر توجه کنید. این بار خدای حکیم، انسانها را می خواهد سورپرایز کند. در آیه زیر خدا برای خودش از همان عبارت تاکید و سورپرایز (انی انا) استفاده می کند.

نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۴۹﴾

به بندگان من خبر ده که منم آمرزنده مهربان (۴۹)

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿۵۰﴾

و اينكه عذاب من عذابی است دردناك (۵۰)

چه کسی اهمیت سورپرایز در آیه بالایی را درک می کند؟ متاسفانه کسی از خبر بالا خوشحال نمی شود و حتی شوکه هم نمی شود. خدا عفو کننده و مهربان است.

خدا همه گناهان را می بخشد. فقط کافی است که از او بخواهید. خدا زمانی که با موسی حرف می زند ، با همان عبارت سورپرایز (انی انا) خود را به موسی معرفی می کند. تصور کنید که موسی در وادی مقدس طوی بعد از شنیدن خبر خدا چه حالی داشته است؟ خدا خودش را به موسی معرفی می کند. این اتفاق برای موسی چقدرهیجان انگیز بوده است؟

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿۱۲﴾

این منم پروردگار تو پای‌پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس طوی هستی (۱۲)

چرا آیه ۱۵:۴۹ به همان مقدار برای ما هیجان انگیز نباشد. خدا نسبت به بندگانش غفور و رحیم است. حتی بندگان غرق شده در گناه را برای توبه می پذیرد. این است خدای یگانه. به همین خاطر شایسته است که فقط باید خدای تنها را در دعاها خواند.

وقتی خدا می فرماید که ما انسان را آفریده ایم و از شاهرگش به او نزدیکتریم. یعنی خدا از خود انسان و هر قدیس و فرد دیگری ؛ دلسوزتر است نسبت به ما.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿۱۶﴾

و ما انسان را آفریده ایم و می دانیم که نفس او چه وسوسه ای به او می کند و ما از شاهرگ [او] به او نزدیکتریم (۱۶)

برای خدا آفرینش یک چیز مثل یک پلک بر هم زدن است. همینقدر و حتی کمتر زمان میبرد. حتی برپایی قیامت و زنده کردن همه موجودات مانند یک چشم بر هم زدن است.

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۷۷﴾

و نهان آسمانها و زمين از آن خداست و كار قيامت جز مانند يك چشم بر هم زدن يا نزديكتر [از آن] نيست زيرا خدا بر هر چيزى تواناست (۷۷)

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿۵۰﴾

و فرمان ما جز يك بار نيست [آن هم] چون چشم به هم زدنى (۵۰)

از این مورد نمیتوان بسادگی گذشت کرد. برپایی قیامت با آن همه انسان و جزئیات؛ فقط به اندازه یک چشم بر هم زدن و حتی کمتر زمان می برد.

به گفته و حدس دانشمندان، به اندازه ۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریگ در ساحل دریاها موجود است. به ازای هر ریگ نزدیک به ۱۰۰۰۰ ستاره در آسمان

هست. خودتان حدس بزنید چه عظمتی در آسمان برپاست. تازه تا آنجایی که ستاره دیده میشود؛ مربوط به آسمان یکم است و آسمانهای شش گانه دیگر، بعد از آن شروع میشوند. آسمانهای بعدی به مراتب بزرگتر از آسمان دنیا هستند. ما هنوز به علمی که روی کره زمین برقرار است؛ کامل پی نبرده ایم.

نوعی مارمولک پیدا شده است که دستها و پاهایش کاملا چرب است ولی خیلی راحت روی سقف و دیوارها راه میرود و به این طریق جاذبه زمین را به چالش میکشد. ما هنوز نتوانسته ایم موجودات روی کره زمین را هم کامل بشناسیم. علم خدا تااین حد گسترده است که اثر انگشتان ما را دوباره به همان شکل تولید میکند.

بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ ﴿۴﴾

آری قادریم که حتی خطوط سر انگشتان او را موزون و مرتب کنیم (۴)

در سال ۲۰۱۲، دانشمندان ذره ای به نام بوزون هیگز را کشف کردند که از اتم هم کوچکتر است و آن را ذره خدا نامیدند. زیرا آنها فکر میکردند که این ذره کوچکترین ذره است و تمام مواد از این ذره تشکیل شده اند و به همین خاطر بر اثر افراط در نظریه پردازی، آن را ذره خدا نامیدند. غافل از اینکه اینها همگی ماده و ساخته خدایند و نهایتا همه علوم به خدا منتهی میشود.

وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ﴿۴۲﴾

و اینکه پایان [کار] به سوی پروردگار توست (۴۲)